



می بینیم که خود آمریکا و روسیه در زمینه انفجار های اتمی به فناوری دست یافته اند که آن ها را قادر می کند تا در کویر برای خود دریاچه بسازند یعنی جغرافیا را تغییر دهند و این کار را برای خود انجام می دهند

محمد اکبری

از منظر شما در روابط بین الملل امروز مولفه هایی که در ایجاد اقتدار حائز اهمیت است کدام است؟



۹ سال پیش در مقاله ای روی تکنو نشنالیزم (ناسیونالیسم فناوری محور) تاکید کردم و استدلالم این بود که زمانی بود که ناسیونالیسم کاملاً و صرفاً بر اساس ارزش های فرهنگ بود و فرهنگ را بنامی کردیم و می گفتیم فرهنگ برگرفته از آن چیزی است که ما بر سر آن توافق می کنیم مانند عادت، عرف نه ما توافق کردیم بلکه جامعه در سیر تمدن بر سر آن توافق کرده است و بر سر هنجار ها، اصول و عقاید توافق کرده که ما آن را فرهنگ می نامیم. مدت ها ناسیونالیسم بر آن بنا بود اما امروزه گزاره های دیگری آمده که باعث بناسیدن ناسیونالیسم است و آن فناوری است، فناوری تکنولوژی است که می آید و از مولفه های قدرت می شود و یکی از پارامتر هایی که کمک می کند کشور های توسعه نیافته و در حال توسعه به سمت قدرت ملی حرکت کنند در کنار قدرت نرم یکی از منابع تغییر در نظام بین الملل تکنولوژی بوده و از قدیم هم این قضیه بوده است دیگر یعنی اگر ما برگردیم به زمان فلاسفه قبل از سقراط می بینیم که گفته می شد اصلاً کائنات و آفرینش بر اساس ثبات سکون و عدم حرکت است، طبیعی است که در این اندیشه فناوری تلاش و چالش جایی نداشت مانند نوا مادر مقابل این اندیشه مکتب پیروان هر اکلیتوس بود که اتفاقاً باید حرکت و پویایی باشد و این پویایی دقیقاً در عصر حاضر مظهر فناوری است شما پتروشیمی را در نظر بگیرید پیش از انقلاب هیچ چیز از این صنعت نداشت اما اکنون در این زمینه رشد قابل ملاحظه و تحول عظیمی ایجاد شده است من به یاد دارم وقتی که از کانادا به ایران آمدم یکی از درس هایی که علاقه داشتیم تدریس کنم رژیم فضای ماورای جو بود؛ ۲۰ سال پیش، تاکید کردم ایران باید روی این رژیم کار کند و در صحبتی هم که با مشاور امنیتی پوتین داشتم به وی اعلام کردم شما بنیانگذار رژیم حقوقی جو بودید اما با سال یوری گاگارین به فضا، الان دچار عقب نشینی شدید شده اید و این آمریکا است که در حال حاضر قواعد این عرصه را می نویسد و شما همچنان ایستاده اید و نگاه می کنید. بنابراین ناسیونالیسم تکنولوژی محور غیر قابل انکار و در زمینه پزشکی، نانو تکنولوژی و پتروشیمی قابل ملاحظه است. اکنون ما تحریم هستیم اما در واقع با دو نوع تحریم مواجه هستیم یعنی Horizontal sanctions (تحریم های افقی) و Vertical sanctions (تحریم های عمودی). اگر در مورد تعدادی کشور

دکتر ابومحمد عسگر خانی، رئیس مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران یک عصر زمستانی در میانه بهمن ماه میزبان خبرنگاران خراسان بود تا علاوه بر شرح نقش توسعه فناوری در حوزه قدرت و اتکا به ابعاد آن برای ایجاد تغییر در معادلات منطقه و بین المللی علت سرعت یافتن توسعه فناوری پس از جنگ تحمیلی را توضیح دهد. استاد برجسته روابط بین الملل دانشگاه تهران که برای ارائه پژوهش های تحقیقاتی و تجربیات خود در زمینه مقابله با تحریم های یک سو به غرب علیه ایران به دعوت تعدادی از مراکز و محافل علمی آمریکایی به زودی عازم چند کشور آمریکای جنوبی است. در حوزه رابطه علم و قدرت از تئوری اش با عنوان «ناسیونالیسم فناوری محور» سخن به میان می آورد و در اهمیت پیگیری فناوری هسته ای مقایسه جالبی بین ۳ موضوع ملی شدن نفت، تسخیر لانه جاسوسی و مسئله هسته ای دارد.

مانند مانگاه کنید می بینید که آمریکایی ها دقیقاً نشانده رفتن بر روی Vertical sanctions چرا که این هانمی خواهند دانش اشاعه پیدا کند و فناوری اشاعه یابد. اشاعه هم به لحاظ افقی و هم به لحاظ عمودی و بر سر راه آن مانع گذاشتند و می خواهند فناوری مادر حالت آلفا بماند و به بتا نرسد اینها آمدند آن فناوری که ما از حالت آلفا به بتا می رساند را نشانده رفته اند، کدام قطعه در زمینه های پزشکی نباید وارد شود، کدام مواد شیمیایی نباید وارد شود و بر این اساس آمدند و رژیم نظارت و بازرسی گذاشتند که رژیم نظارت بازرسی و رژیم مصونیت سه رژیمی هست که باعث می شود ما از حالت آلفا به بتا نرسیم در صورتی که اگر ما به آن مرحله فناوری برسیم و توانایی داشته باشیم مانند جایگاهی که ژاپن در آن قرار گرفته است مسئله حل است و بنابراین

رابطه علم و ایجاد قدرت در گفت و گوبا دکتر ابومحمد عسگر خانی

ناسیونالیسم فناوری محور

تفاوت و کنش به ملی شدن نفت تسخیر سفارت و مسئله هسته ای پیام مهمی دارد



خراسان

تحریم های ایران و موضوعات مطروحه در مذاکرات هسته ای به طور روشن پتانسیل علمی ایران را نشانده رفته است.

می بینیم که خود آمریکا و روسیه در زمینه انفجار های اتمی به فناوری دست یافته اند که آن ها را قادر می کند تا در کویر برای خود دریاچه بسازند یعنی جغرافیا را تغییر دهند و این کار را برای خود انجام می دهند بنابراین طبق گفته خود آمریکا می توان گفت که اتمی اختراع شد در همان ابتدا آمدند و آن اتمی ایجاد کردند. هدف از آن به گفته خود آن ها انحصار اتمی و لوصح آمیز بود از لحاظ افقی و عمودی و البته بیشتر هم عمودی است. مأموریت آن اتمی پیشگیری از فناوری هسته ای و لوصح آمیز است. در مواجهه آمریکا با مسئله هسته ای چین هندوستان لیبی عراق ایران پاکستان می بینیم سناریوهای مختلف اما "تاپیک" مسئله یکی است. در زمان چالش هسته ای چین زمانی دولتمردان چین آمدند و به مائو هر چین گفتند که اکنون وضعیت کشور بد است و لازم است در زمینه هسته ای سازش داشته باشیم و مذاکره کنیم و دست برداریم از این کار در راس حاکمیت چین گفتند نه اول باید بر نامه هسته ای را تکمیل کنیم و بعد برویم مذاکره کنیم. گفتند ما فقیر و گرسنه هستیم چطور ادامه بدیم و به واقع نیز همینطور بود چرا که در آن زمان حتی سرویس بهداشتی مناسب در بسیاری از شهرهای چین وجود نداشت و لی مسئولین گفتند اگر ما الان مذاکره کنیم آمریکا هیچ چیز به ما نمی دهد، همین کار را هندوستانی هانیز کردند و در ابتدا بر نامه هسته ای خود را تکمیل کردند و بعد مذاکره کردند. در قوانین ۲۰۰۰ آمریکا این کشور نباید با کشوری که عضو «ان. پی. تی» نیست مذاکره کند و لی الان می بینید بنا بر مصالحی که آمریکایی ها تشخیص داده اند دارد با هندوستان همکاری نظامی می کند. اما آن طرف عراق و لیبی را داریم که در ابتدا خلع سلاح شدند و بعد تنها امتیازی برای آن ها قائل نشدند بلکه رژیم راسرنگون کردند و کشور را وارد نسل هادر گیری کردند.

نگاهی که عمدتاً در بحث قدرت وجود دارد این است که در ظاهر اقتدار به طور عمده مرون قدرت سخت افزاری و نظامی بوده حال چه چیز هایی تغییر کرده که معادلات اقتدار به سمت فناوری رفته است؟

اخیراً روی قدرت نرم هوشمند کیفی تاکید زیاد شده است اما کسانی که بر روی اینها تاکید دارند عقیده دارند که پشتوانه قدرت نرم باید قدرت سخت باشد حتی جوزف نای در کتاب خود به خوبی اذعان می کند که در غیاب قدرت سخت قدرت نرم فایده ندارد و در کتاب دیگری از وی که در دهه ۷۰ منتشر شد فصل اول تاکید بر روی قدرت سخت شده است فصل های بعدی قدرت نرم و اقتصادی را مورد اشاره دارد بنابراین حتی وقتی دیوید بالوین می آید از جوزف نای انتقاد می کند که چرا اول قدرت سخت را مورد اشاره قرار دادی نای می گوید نه اینگونه نیست در ۱۰ سال پیش مانسبت به قدرت سخت کم توجه بودیم قدرت نرم بدون قدرت سخت کارایی ندارد. اگر دقت کرده باشید می بینید که برخی دیپلمات های کشورهای آفریقایی و آسیایی به لحاظ دانش و فن بیان بد نیستند به طوری که در پاکستانی ها هندی های می بینید که در دانشگاه های آمریکا و غرب بهر هستند و می بینیم که اینها به لحاظ قدرت نرم قوی هستند در ضمن این کشور ها به لحاظ بین المللی حقوقدان های خوبی هستند اما به این واقعیت اذعان دارند که در صحنه بین الملل و مذاکرات دیپلماتیک من همان پاکستانی، آفریقایی و هندی هستم و طرف و بروی من آمریکایی رفتار می کند حالا تو هر چقدر تولید علمی و نظریه حقوقی ارائه دهی چون قدرت سختی پشتوانه آن نیست فایده ای ندارد. مگر مادر گذشته اسطوره نداشتیم پس چرانتوانستیم آن را به جهانیان ارائه دهیم پاسخ آن این است که حتی رسانه های گروهی هم در دست آن ها است.

این وضعیت چه زمانی پدید آمد؟

آغاز این شرایط با شروع انقلاب صنعتی انگلستان بود و یک عده ای از کشور ها نگاه به این انقلاب کردند و فوری آن را «هایلایت» کردند و از روی آن رونوشت برداشتند و در جامعه خود به اجرا گذاشتند و متأسفانه مسئولان در آن زمان بر فناوری تاکید نداشتند و مصیبتی شد برای ما به طوری که اکنون جمهوری اسلامی با توسعه بسیار دیر به این سو حرکت داشته و نهضتی را در زمینه فناوری آغاز کرده است. در این میان شاید لازم باشد